

Afḍal al-Dīn Khunajī: A Physician in the Role of a Judge (1194–1248)

Ali Khaleghi¹ 

1. Islamic Culture Group, Faculty of Medicine, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran,

E-mail: alikhaleghi@sbmu.ac.ir

Article Info

Article type:

Review Article

Article history:

Received: 8 June 2025

Revised: 6 September 2025

Accepted: 29 September 2025

Published online: 15 November 2025

Keywords:

Afḍal al-Dīn Khunajī, the life of Khunajī's time, Khunajī's Scientific Works, Medicine and Judiciary.

ABSTRACT

Throughout the history of Islamic civilization, distinguished scholars have consistently emerged who, through their scientific and practical endeavors, have significantly contributed to its growth and flourishing. One such scholar is Afḍal al-Dīn Khunajī (1194–1248), born in Khūnā or Khūnaj (Kāghadhkanān). After completing his early education in Islamic sciences, he migrated to Egypt during the Mongol invasion of Iran, settled in Cairo, and became a leading figure of his time in logic, philosophy, Islamic law, and medicine. Appointed by the ruler of Egypt as the Chief Judge (Qāḍī al-Quḍāt), he passed away in this role. This descriptive study aims to gather insights into the life, era, status, and scholarly works of Afḍal al-Dīn Khunajī, and to introduce his intellectual and socio-political standing within Islamic civilization. His surviving works in jurisprudence, logic, and medicine suggest that he was a preeminent authority in both rational and transmitted sciences of his time, playing a pivotal role in their development. His appointment to judicial and medical positions by the Egyptian ruler also indicates that he was a trusted reference not only in theoretical knowledge but also in practical sciences among the Muslim community of Egypt.

Cite this article: Khaleghi, A. (2025). Allama Afzal al-Din Khunaji: A Physician in the Robe of a Judge. *Journal for the History of Science*. 23 (1), 235-244. DOI: <http://doi.org/10.22059/jihs.2025.403279.371845>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

افضل الدين خونجی: طبیبی در کسوت قضاوت (۵۹۰-۶۴۶ق)

علی خالقی^۱

۱. گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران، رایانامه: alikhaleghi@sbmu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: ترویجی	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸	در حوزه تمدن اسلامی همواره دانشمندان فاضلی ظهور پیدا کرده‌اند که با انجام کارهای علمی و عملی به رشد و شکوفایی تمدن اسلامی کمک فراوانی کرده‌اند. افضل الدین خونجی (۵۹۰-۶۴۶ق) متولد خونا یا خونج (کاغذکنان) یکی از این دانشمندان است که پس از سپری کردن تحصیلات اولیه در علوم اسلامی در دوران تهاجم مغول به ایران، به مصر عزیمت کرد و رحل اقامت در قاهره افکند و در علم منطق، حکمت، علم شریعت و طبابت سرآمد روزگارش شد. و از سوی حاکم مصر به قاضی القضاتی مصر منصوب شد و در این کسوت در سال ۶۴۶ ق در گذشت. این مطالعه توصیفی، تلاشی است در جهت جمع‌آوری آگاهی‌هایی درباره زندگی، زمانه و موقعیت و آثار علمی افضل الدین خونجی و معرفی جایگاه علمی و سیاسی - اجتماعی ایشان در تمدن اسلامی. از مجموع آثار علمی ایشان در زمینه فقه، منطق، طب، چنین برمی‌آید که او در علوم عقلی و نقلی زمان خود سرآمد روزگار بوده و نقش به‌سزایی در تحول علوم عقلی و نقلی داشته است. انتخاب ایشان از سوی حاکم مصر به منصب قضا و طبابت نیز نشانگر آن است که وی علاوه بر علوم نظری، در علوم عملی نیز مرجع مردم مسلمان مصر بوده است.
کلیدواژه‌ها: افضل الدین خونجی، زندگی زمانه خونجی، آثار علمی خونجی، طبابت، قضاوت.	

استناد: خالقی، علی (۱۴۰۴). افضل الدین خونجی: طبیبی در کسوت قضاوت (۵۹۰-۶۴۶ق). تاریخ علم، ۲۳ (۱)، ۲۴۴-۲۳۵.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jihs.2025.403279.371845>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

مقدمه

نوشته حاضر پژوهشی است که در آن به جمع‌آوری اطلاعات در باره یکی از اندیشمندان کمتر شناخته‌شده قرن ششم و هفتم هجری پرداخته شده است. در عین حال، تلاش شده تا اطلاعات پراکنده موجود درباره این اندیشمند اسلامی به گونه‌ای پردازش شود که بخش‌هایی از شخصیت و زندگی ایشان که پیش از این مبهم بوده، بیشتر روشن گردد.

بر این اساس، مسأله اساسی خود را توصیف زندگی و شخصیت افضل‌الدین خونجی، یکی از اطباء، فلاسفه و منطق‌دانان قرن ششم و هفتم قرار داده و در صدد پاسخ به این سؤال برآمده‌ایم که افضل‌الدین خونجی کیست و کجا به دنیا آمده و کجا و چگونه زندگی کرده و در چه زمینه‌ای از علوم تبحر داشته و از چه موقعیت و مقامی برخوردار بوده و در چه زمینه‌هایی به رشد تمدن اسلامی کمک نموده است.

یافته‌ها

آن‌گونه که در منابع تراجم آمده، نام خونجی «محمد»، کنیه‌اش «ابوعبدالله» و لقب او «افضل‌الدین» بوده است. به اعتبار زادگاهش، نسبت «الخونی» یا «الخونجی» به وی داده‌اند. در کتاب عیون الأطباء، که نویسنده آن از معاصران و شاگردان خونجی بوده، نام پدر او «ناماوار بن عبدالملک» ذکر شده است؛ در حالی که در هدیه العارفین، نام پدر به صورت «ماء ورد بن عبدالملک» ثبت گردیده است (ابن ابی‌اصیبه، ۱۹۹۸: ص ۵۴۱؛ بغدادی، ۱۹۵۱: ج ۲، ص ۱۲۳). با توجه به فقدان اطلاعات دقیق و مستند از شهر خونج و اهالی آن در منابع تاریخی، درباره نسب خونجی نیز جز نام پدر و جد او که در منابع یادشده آمده، اطلاعات قابل اتکایی در دست نیست.

زادگاه و زمان تولد

بر اساس اتفاق نظر تراجم‌نویسان، تولد افضل‌الدین محمد خونجی در جمادی‌الاولی سال ۵۹۰ هجری قمری در «خونا» یا «خونج» واقع در مسیر میان مراغه و زنجان رخ داده است. یاقوت حموی در معجم البلدان، در توصیف این شهر می‌نویسد:

خونا بضم أوله وبعد الواو الساكنة نون مقصور، والصواب في تسميتها وذكرها في الكتابة خونج. بلدة من أعمال آذربيجان بين مراغه وزنجان في طريق الري. وهو آخر ولاية آذربيجان تسمى الآن كاغذکنان أي صناع الكاغذ..... رأيتها وهي بلدة صغيرة خراب، فيها سوق حسن. بينها وبين زنجان يومان (ياقوت حموی، ۱۹۹۵: ج ۲، ص ۳۳۱).

حمدالله مستوفی نیز در نزهةالقلوب، ضمن اشاره به همین منطقه، می نویسد:

کاغذکنان شهر وسط بوده است. امیر میسور زنجان که جد مادری شروین (آنجا را) ساخته و خونج نام کرده است. چون در آنجا کاغذ خوب می کردند، کاغذکنان مشهور شد... در فترت مغول خراب شده و اکنون چون مغول نشین است و ایشان زراعت می کنند، آن را مغولیه می خوانند. ولایت هردقان و دزآباد علیا هم از توابع آنجاست و قرب هفتاد موضع بوده و در این ولایت پنبه و میوه نیز می باشد. حقوق دیوانی کاغذکنان و این ولایت پنج هزار دینار است (مستوفی، ۱۳۶۲: ص ۶۶).

گای لسترنج در جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، موقعیت راهبردی خونج را چنین توصیف می کند:

در شمال باختر ایالت جبال سر راه زنجان به اردبیل شهر تجارتي مهم خونج واقع بوده و راه در زمان مغول از سلطانیه (پایتخت جدید) شروع و از زنجان دو شعبه می گشت. شعبه راست که شمالی بوده از خونج (کاغذکنان) می گذشت و به سفیدرود می رسید و از آنجا به خلخال و اردبیل و از آنجا به باجروان کرسی ولایت مغان می رفت و این همان راه ابریشم است که از چین و شمال ایران به آذربایجان می رسید (لسترنج، ۱۳۷۷: ص ۲۴۲-۲۴۳).

زادگاه خونجی در دوران فترت مغول دچار ویرانی شد و پس از بازگشت مغولان به آذربایجان، گروهی از آنان در آنجا ساکن شدند و به زراعت پرداختند. به گفته مستوفی، این شهر به «مغولیه» شهرت یافت. خونجی نیز، به احتمال زیاد، در همین دوره از خونج مهاجرت کرده و در نهایت به مصر رسیده است. البته این فرضیه مستندات قطعی ندارد و صرفاً بر پایه قرائن تاریخی مطرح شده است.

تحصیلات و اساتید

درباره تحصیلات افضل الدین محمد خونجی تنها می دانیم که وی آموزش های خود را در ایران آغاز کرده و در مصر به کمال رسانده است. اما در خصوص اینکه در کدام شهر و نزد چه کسانی تلمذ کرده، اطلاعات

دقیقی در دست نیست. شاگرد او، ابن ابی أصیبه، در عیون الأنباء می نویسد که خونجی فردی پرمشغله و دارای دستاوردهای فراوان بوده است (ابن ابی أصیبه، ۱۹۹۸: ص ۵۴۱). ذهبی و ابن عماد نیز صرفاً اشاره کرده‌اند که وی تحصیلات خود را در ایران سپری کرده و سپس به مصر مهاجرت کرده است (ذهبی، ۱۳۴۷: ج ۳، ص ۲۵۵؛ ابن العماد، ۱۴۰۶: ج ۵، ص ۲۳۶).

نویسنده کتاب مفاخر آذربایجان نیز اطلاعات خاصی درباره آغاز تحصیلات خونجی یا اساتید او ارائه نکرده و تنها نوشته است که وی در حوزه‌های علمی ایران تحصیل کرده، سپس رهسپار مصر شده، در کسب علم کوشیده، و مورد احترام خاص و عام قرار گرفته است (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۶۷۳). ظل الرحمن نیز می نویسد وی تا مدتی در دیار عجم اقامت داشت و سپس به مصر آمد. در سال ۶۳۲ هجری در قاهره با ابن ابی أصیبه ملاقات کرده بود (ظل الرحمن، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۴۱). حاجی خلیفه نیز در کشف الظنون، در ذیل معرفی کتاب الجمل، به یکی از اساتید خونجی یعنی مؤلف نهیة الأمل، ابن مرزوق تلمسانی، اشاره کرده است (حاجی خلیفه، ۱۹۹۲: ص ۱۹۸۶).

بنابراین، نمی‌توان با قطعیت گفت که خونجی در چه زمانی و چگونه به مصر رفته است. نخستین گزارش مستند از حضور او در مصر مربوط به سال ۶۳۲ هجری است، زمانی که ابن ابی أصیبه می نویسد: «اجتمعت به في القاهرة في سنة إثنين وثلاثين وستمائة (ابن ابی أصیبه، پیشین).

اگر فرضیه ما درباره علت مهاجرت خونجی، یعنی ناامنی ناشی از تهاجم مغول به آذربایجان، درست باشد، احتمالاً او بین سال‌های ۶۲۲ تا ۶۲۵ هجری، در سنین ۳۲ تا ۳۴ سالگی، به مصر مهاجرت کرده است. آن‌چنان که ابن عماد در شذرات الذهب بیان کرده، خونجی پس از ورود به مصر، تحصیلات خود را ادامه داده، در علوم حکمت و منطق به کمال رسیده، و در زمان خود سرآمد این دانش‌ها شده است. وی صاحب فتوا، نظر، و تألیف در این علوم گردیده است (ابن العماد، پیشین).

پس از کسب درجات بلند علمی، خونجی در مصر به «غایة القصوای» طالبان علم تبدیل شد و مقام استادی را در مدارس مختلف قاهره، از جمله مدرسه صالحیه، به دست آورد (ابن ابی أصیبه، پیشین؛ سبکی، ۱۴۱۳: ج ۷، ص ۱۰۵).

بنا به گزارش ابن واصل حموی که شاگرد خونجی بوده، الملك الكامل (۶۳۵-۶۱۵) سلطان ایوبی مصر وشامات، اهل علم و از جمله خونجی را به دربار خود دعوت کرد. خونجی نزد سلطان ایوبی محترم

بود و از سوی او به عنوان سفیر به دربار سلاجقه روم فرستاده شد. اما کمی قبل از بازگشت وی، الکامل درگذشت. خونجی که احتمالاً نزد حکمران جدید منزلت چندانی نیافت، آنجا را ترک کرده و به دربار سلاجقه روم برگشت و در آنجا به منصب قضا رسید. اما پس از شکست سلاجقه از مغولان در سال ۶۴۱ به مصر بازگشت (حموی ابن واصل: ۱۳۹۵، ۱/۱۶۰-۱۶۲، ۳۲۵، ۳۳۵).

ظاهراً در این دوره ملک صالح نجم الدین ایوب (۶۳۵-۶۴۷) حاکم مصر بوده است. وی با توجه به موقعیت بالای علمی علامه خونجی، پس از استعفا یا عزل عزالدین بن عبدالسلام، علامه خونجی را به منصب قاضی القضائی مصر برگماشت (سیوطی: ۱۴۱۸، ۲/۱۵۴ و ۴۴۴). واگذاری سمت قاضی القضائی به علامه خونجی در اواخر عمر ایشان بوده و خونجی در همین منصب در سال ۶۴۶ در قاهره از دنیا رفت. بیشتر سیره‌نویسان ایشان از جمله ابن ابی اصیبعه درگذشت استادش را روز چهارشنبه، پنجم ماه مبارک رمضان سال ۶۴۶ دانسته است (ابن اصیبعه: پیشین). ولی سیوطی در حسن المحاضرة تاریخ وفات ایشان را ۶۴۲ ذکر کرده است (سیوطی، پیشین). به گزارش ابن ابی اصیبعه، وی پس از درگذشت در قاهره در قرافه مدفون گردید (ابن اصیبعه: پیشین). سبکی نیز محل دفن ایشان را در دامنه مقطم در قاهره دانسته است (السبکی: پیشین).

ویژگی‌های شخصیتی

علامه خونجی به تأیید معاصران و شاگردانش، دانشمندی وارسته و کامل و سرآمد حکما و علمای عصر خویش بوده و اکثر اوقات عمر خویش را به تحصیل علم و دانش و تفکر علمی می‌گذرانده است. اشتغال دائمی ذهن او به علم تا بدانجا بوده است که شاگردش، ابن ابی اصیبعه می‌گوید: گاه به دلیل مشغول بودن و غرق بودن ذهن او در علم، دچار اضطراب شدید می‌شد (ابن ابی اصیبعه، پیشین).

گرایش مذهبی مردم زادگاه علامه خونجی در هنگام تولد و رشد او شافعی بود. بنابراین خونجی نیز مذهب شافعی داشت. از این رو، سبکی در کتاب خود، علامه خونجی را از علمای شافعی برشمرده و به شرح حال او پرداخته است (السبکی: پیشین). سایر کتب تراجم از جمله: ذهبی در العبر، ابن العماد در شذرات واسماعیل پاشا در هدیه العارفین، نیز خونجی را شافعی مذهب دانسته اند (ذهبی: پیشین، ابن العماد: پیشین؛ بغدادی: پیشین؛ مستوفی، پیشین، ۶۶).

جایگاه و موقعیت علمی

اگر چه دربارهٔ اساتید و محل تحصیل خونجی اطلاع دقیقی در کتب شرح حال نویسی ذکر نشده ولی همه آنها به مقام و موقعیت بالای علمی ایشان اذعان نموده اند. همچنانکه ابن ابی صبیعه دربارهٔ موقعیت علمی او گفته: «وی پیشوایی عالم و صدری کامل و سرور علماء و حکما و یگانه و علامه زمان خود بود و در علوم عقلی ممتاز بود و در امور شرعی مسلط بود. فردی پرکار و پر حاصل بود» (ابن ابی اصیبعه، همان). وی به تعبیر ایشان در همه علوم تبحر داشته است. ابو شامه نیز آنچنانکه ابن کثیر از او نقل کرده اند، می‌گوید: همه او را تحسین کرده اند (ابن کثیر: ۱۴۱۵، ۳/ ۱۴۷).

حکیم خونجی بر اساس گزارش سبکی در قاهره علاوه بر مقام رسمی قاضی القضاتی به تعلیم و تدریس نیز اشتغال داشت و ظاهراً در مدرسهٔ صالحیه قاهره که در سال ۶۳۹ به دست صالح نجم الدین ایوب حاکم مصر بنا شده بود و همچنین در سایر مدارس قاهره به تدریس مشغول بوده است (السبکی: پیشین، ۱۰۶، نیز نگ. سیوطی: ۱۳۷۰، ۴۶۳).

ابن ابی اصیبعه به اذعان خودش یکی از شاگردان خونجی در علم طب بوده است. شیخ عزالدین محمد بن حسن غنوی ضربیر الاربلی را (که در رثای خونجی هم اشعاری سروده است) نیز از شاگردان ایشان بر شمرده اند (ابن العماد، پیشین). طبق نظر خالد الرویهب، ابن واصل حموی مؤلف مفرج الکروب نیز از شاگردان علامه خونجی بوده است (الرویهب: ۱۳۹۳، ۱۶). بر اساس آنچه در کتب تراجم و شرح حال نویسی آمده خونجی در علوم زیر تبحر داشته است:

۱- علوم عقلی

اکثر سیره نویسان خونجی را در ردیف حکما و فلاسفه اسلامی و منطق دانان ذکر کرده و برای ایشان جایگاه ویژه‌ای قائل شده‌اند. سبکی در طبقات الشافعیة می‌نویسد: «و او مهارت زیادی در علوم عقلی دارد» (السبکی، پیشین). ذهبی نیز از او به عنوان فیلسوف یاد کرده است (ذهبی، پیشین). ابن کثیر از او به عنوان استاد در حکمت و منطق یاد کرده است (ابن کثیر، ۱۳/ ۱۴۷) و سیوطی نیز او را فیلسوف معرفی کرده و از این که یک فیلسوف جایگزین قاضی القضات مصر شده، تعجب کرده است (سیوطی: پیشین، ۴۴۴).

ابن عماد نیز او را سرآمد علوم اوایل در زمان خودش معرفی کرده و می‌گوید وی علوم عقلی را دنبال کرد و به‌دست آورد و در آن علوم یگانه و سرآمد زمان خود شد (ابن العماد، پیشین).

۲- علوم شرعی (نقلی)

اگر چه سیوطی از انتخاب خونجی به عنوان قاضی القضاات مصر به دلیل گرایش فلسفی او تعجب کرده است، ولی خونجی در علوم شرعی نیز صاحب نظر بوده است. از این رو به تعبیر ابن کثیر او در احکام قضایی خود نیکو روش بود. زیرا آنچنان که شاگردش ابن ابی اصیبعه اشاره کرده، وی علاوه بر علوم عقلی در امور شرعی نیز تبحر داشته است (ابن ابی اصیبعه، پیشین). مؤلف قاموس الاعلام ترکی و سایر کتب تراجم نیز به صاحب نظر بودن وی در امور شرعی اشاره کرده معتقدند: «ابو عبدالله محمد بن نام‌آور از مشاهیر حکما و اطباء اسلامی بوده و در علوم شرعی و دیگر علوم ید طولائی داشته است» (سامی: ۱۳۰۶، ۱۰۰۲؛ نیز نک: مدرسی تبریزی: ۱۳۷۴، ۱۵۸).

۳- علم طب

خونجی علاوه بر علوم عقلی و علوم نقلی در طب نیز اشتها یافته است. آنچنان که در کتب تراجم بیان شده وی یکی از مشاهیر حکمای اسلامی بوده است. دکتر کمال السامرائی در کتاب مختصر تاریخ الطب العربی، خونجی را از جمله اطباء مصر در قرن هفتم معرفی کرده و ابن ابی اصیبعه را از شاگردان او در زمینه طب دانسته و سه اثر از او در زمینه طب نام برده که عبارتند از: شرح مقاله النبض لابن سینا، کتاب ادوار الحمیات و الاسباب والعلامات (السامرائی: ۱۹۸۹، ۲ / ۴۶۱).

بر اساس آنچه که اصحاب تراجم و شرح حال نویسی ذکر کرده اند علامه خونجی در حکمت و منطق و علوم طبی استاد متبحر بوده و آثار ارزشمندی نیز در این زمینه‌ها تالیف نموده است (سیوطی، پیشین، ۴۴۳ و بغدادی اسماعیل پاشا، پیشین و کحاله عمر رضا: بی تا، ۷۳ / ۱۲). ظل الرحمن، به نقل از ابن خلدون می‌گوید: «کتاب‌های او مورد اعتماد علمای شرق آن زمان بود» (ظل الرحمن، پیشین، ۴۱).

۱- شرح کلیات قانون ابن سینا

ظاهراً این کتاب علامه خونجی در شرح کتاب القانون فی الطب ابن سینا بوده و به گفته حاجی خلیفه ابن قف در شرح شش جلدی خود بر کلیات قانون ابن سینا از گفتار افضل الدین خونجی و پاسخ‌های او بر ایرادات فخر رازی سود برده است. همچنین وی اشاره کرده که ابن قف در شرح خود بر کلیات قانون از گفتار و پاسخ‌های افضل الدین خونجی بهره برده است از این عبارت ایشان در کشف الظنون که «یعقوب بن اسحاق در شرح کلیات خود به قول فخرالدین رازی اقتدا و از قول افضل الدین خونجی تتبع کرده است، این نکته روشن می‌شود، که شرح خونجی نیز مانند شرح فخرالدین رازی در اختیار شارحان بعدی بوده است (حاجی خلیفه، پیشین). ابن ابی اصیبعه (م ۶۶۸هـ) اشاره‌ای به شرح کلیات قانون نکرده است. قطب الدین شیرازی (م ۷۱۰هـ) در دیباچه التحفة السعدیة به هشت شرح معتبر در آموزش «قانون طب ابن سینا» از جمله شرح افضل الدین محمد بن نامور خونجی اشاره کرده است (شیرازی: ۸۸۹، ۳، نیز نک: همراه یف محمد، ۱۳۹۲)، حمویی یزدی (م ۹۶۰هـ) نویسنده کتاب مجمع النفایس وحجلة العرایس که به معرفی شروح قانون ابن سینا پرداخته، نام افضل الدین محمد بن خونجی را به عنوان یکی از شرح‌نویسان قانون آورده است (حمویی یزدی: ۱۳۸۹، ۱۸۰/۲). به گفته ظل الرحمن (م ۱۳۶۸هـ)، یک نسخه بسیار قدیمی آن در کتابخانه رامپور نگهداری می‌شود که در سال ۸۰۷ ق کتابت شده است. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه ملی پاریس نیز موجود است (ظل الرحمن: ۱۳۸۳، ۱/ ۴۱. اسکندریلو: ۱۳۸۷، ۱/ ۲۸۲).

۲- شرح مقالة ابن سینا فی النبض

«رگ شناسی» یا «معرفة النبض»، از مباحث مهم در دانش پزشکی است که در حقیقت، یکی از راه‌های شناخت حالات درونی بدن و تشخیص بیماری‌ها است. ابن سینا به مبحث نبض در کتاب قانون پرداخته است. او در کتاب اول قانون در فن دوم (بیماری، علت و نشانه‌های آن) در تعلیم سوم (عرض‌ها و علائم) در جمله اول به بحث پیرامون نبض پرداخته است. به گفته ابن ابی اصیبعه از جمله کتاب‌های خونجی شرح او بر مباحث ابن سینا درباره نبض است (ابن ابی اصیبعه، پیشین و سامی، پیشین).

۳- ادوار الحمیات

آن‌چنانکه مؤلف عیون الانباء فی طبقات الاطباء و دیگر سیره نویسان اشاره کرده اند، علامه خونجی کتابی بنام ادوار الحمیات داشته که آن را درباره ادوار تب به نگارش در آورده بوده است.

۴- الاسباب والعلامات

دکتر سامرائی در کتاب مختصر تاریخ الطب العربی کتاب دیگری را برای علامه خونجی در زمینه طب به نام الاسباب والعلامات نسبت داده است (سامرائی: بی تا، ۴/۹۱). ولی در دیگر کتب تراجم به آن اشاره نشده است. بر اساس آنچه حکیم نجیب الدین محمد سمرقندی در کتابی مشابه و با همین عنوان آورده است می‌توانیم حدس بزنیم که احتمالاً خونجی هم در این اثر همانند بسیاری از کتب مشابه در طب سنتی که به مبحث بیماری‌ها و درمان آن‌ها پرداخته‌اند، از اسباب و نشانه‌های هر یک از بیماری‌های بدن بحث کرده است.

بحث و نتیجه‌گیری

بسیاری از دانشمندان در حوزه تمدن اسلامی، در زمینه علوم مختلف زمان خود تبحر داشته‌اند. زندگی علمی حکمای مسلمان بخصوص از این نظر قابل توجه بوده است چه اینکه آنها علاوه بر فلسفه و حکمت در نجوم، ریاضیات و پزشکی نیز آثار ارزشمندی را از خود به یادگار گذاشته‌اند.

افضل الدین خونجی نیز یکی از این اندیشمندان است که علاوه بر علوم عقلی و شرعی در حوزه علم پزشکی نیز تبحر داشته و آثار ارزشمندی تألیف کرده است. اگر چه ما امروز به این آثار دسترسی نداریم ولی به اذعان شاگردان و معاصرین وی، او یکی از سرآمدان علم پزشکی در روزگار خود بوده است.

توجه افضل الدین به قانون ابن سینا و شرح آن علاوه بر اهمیت و مرجعیت آن در علم پزشکی نشانگر توانایی علمی شارح قانون یعنی خونجی نیز می‌باشد. شرح او بر رساله ابن سینا درباره نبض نیز بیانگر شناخت و تبحر او درباره نبض که در علم پزشکی قدیم از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار بوده، می‌باشد.

اثر دیگر او، ادوار الحمیات و الاسباب والعلامات است.

منابع

- ابن ابی اصیبعه، موفق‌الدین (۱۹۹۸)، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، بیروت، دارکتب العلمیه.
- ابن العماد، عبد الحی ابن احمد (۱۴۰۶)، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، بیروت، دار احیاء تراث العربی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۵) البدایة والنهایة، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- اخوینی، ربیع بن احمد (۱۳۷۱) هداية المتعلمين في الطب، دانشگاه فردوسی مشهد.
- اسکندرلو، محمدجواد (۱۳۹۷)، نقش شیعه در علوم اسلامی از نگاه مستشرقان، قم، انتشارات امام علی.
- بغدادی، اسماعیل پاشا (۱۹۵۱)، هدية العارفين، بیروت، دار احیاء تراث العربی.
- حاجی خلیفه (۱۹۹۲). کشف الظنون، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- حموی، ابن واصل (۱۳۹۵)، مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب، چاپ حسنین محمد ربیع، قاهره.
- حموی یزدی، سالک الدین محمد (۱۳۸۹) مجمع النفائس وحجلة العرائس، موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران.
- ذهبی، شمس الدین (۱۳۴۷)، العبر فی خبر من غیر، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- الرویهب، خالد (۱۳۹۳)، افضل الدین خونجی، دانشنامه جهان اسلام، تهران.
- السامرائی، کمال (۱۹۸۹)، مختصر تاریخ الطب العربی، بیروت، دارالنظال.
- السبکی، تاج‌الدین (۱۴۱۳)، طبقات الشافعية الكبرى، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه.
- سیوطی، جلال الدین (۱۳۷۰)، تاریخ خلفاء، قم، منشورات شریف رضی.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۸)، حسن المحاضرة فی اخبار مصر والقاهرة.
- سامی، شمس الدین (۱۳۰۶)، قاموس الاعلام، استانبول، مطبعة مهرا.
- شیرازی، قطب الدین، شرح کلیات قانون، کتابخانه مجلس، شماره ۳۶۲۲۷-۱۰.
- ظل الرحمن (۱۳۸۳)، قانون ابن سینا، شارحان و مترجمان آن، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- عابدی، عباس و احمدی، مسلم (۱۳۹۹) بررسی تحولات دانش طب در تمدن اسلامی؛ با تمرکز بر رازی و زهراوی، هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران.
- عقیقی، بخشایشی (۱۳۷۵)، مفاخر آذربایجان، تبریز، نشر آذربایجان.
- کحالة، عمر رضا (بی تا)، معجم المؤلفين، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- لسترنج، گای (۱۳۷۷)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- مدرسی تبریزی، محمدعلی (۱۳۷۴)، ریحانة الادب، تهران، انتشارات خیام.
- مستوفی، حمداله (۱۳۶۲)، نزهة القلوب، تهران، دنیای کتاب.
- همراه یف، محمد (۱۳۹۲)، «جایگاه شرح قانون قطب الدین شیرازی»، اطلاعات حکمت و معرفت.
- حموی، یاقوت (۱۹۹۵)، معجم البلدان، بیروت، دار صادر.